



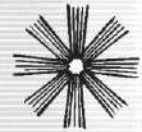
فنون ترجمه زبان انگلیسی کنکور (طاهری)

مؤلف: محمد طاهری

سرشناسه	: طاهری، محمد، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: فنون ترجمه زبان انگلیسی کنکور طاهری/مولف محمد طاهری.
مشخصات نشر	: تهران: کانون فرهنگی آموزش، ۱۳۹۸.
مشخصات طاهری	: ۱۰۶ ص؛ ۲۹×۲۲ س م.
فروست	: مجموعه کتاب های دبیران پر مخاطب .
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۰-۱۸۳۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۸۸۷۷۸

انتشارات

کانون فرهنگی آموزش



مجموعه کتاب های دبیران پر مخاطب

عنوان کتاب:	فنون ترجمه زبان انگلیسی کنکور (طاهری)
مؤلف:	محمد طاهری
مدیر پروژه:	رضا فیاض
نوبت چاپ:	اول (۱۳۹۸)
تیراژ:	۱۰۰
صفحه آرای:	زهرا محمودپور
چاپ، صحافی:	چاپ روز
قیمت:	۲۷۵۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۰۰۰-۱۸۳۸-۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحه	عنوان
۸.....	فصل اول: ساختارها.....
۲۷.....	فصل دوم: نکات و اصطلاحات.....
۸۷.....	فصل سوم: تمرین‌ها.....
۱۰۰.....	پاسخنامه.....

در کنکور سراسری، درس زبان انگلیسی جزء دروسی است که کسب درصد پایین در آن می‌تواند داوطلب را از قبولی در رشته و دانشگاه دلخواه بازدارد، چرا که امروزه با وجود امکانات آموزشی فراوان در این درس در اقصی نقاط کشور، تعداد بسیار زیادی از داوطلبان در این درس، نمره یا درصد قابل قبولی کسب نمی‌نمایند و این درس به طور میانگین، همواره جزء دروسی بوده که در کنکور سراسری بالاترین درصدها را داشته است. بنابراین، کسب درصد قابل قبول در این درس برای باقی ماندن در رقابت برای قبولی در رشته‌ها و دانشگاه‌های پرتعداد، امری ضروری است.

شاید شما هم داوطلبانی را دیده باشید که لغات و گرامر را به خوبی می‌خوانند و زمان کافی را نیز برای مطالعه این درس اختصاص می‌دهند، اما در آزمون‌های آزمایشی و یا در کنکور سراسری، نتیجه دلخواه را کسب نمی‌کنند. شاید خود شما نیز جزء این دسته از افراد باشید! اما علت چیست؟

یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع، عدم تسلط داوطلب به ساختارهای ترجمه‌ای، معانی دور لغات، هم‌نشینی‌ها (*collocations*)، پیشوندها و پسوندها و سایر نکاتی است که در ترجمه صحیح جملات دخالت دارند.

در این کتاب تلاش بر این بوده که تمامی موارد فوق را با استفاده از جملاتی که در کنکورهای سراسری ۴ سال اخیر به کار رفته‌اند به شما آموزش دهیم. در مواردی که مثال مناسب وجود نداشته و یا برای درک بهتر موضوع، نیاز به مثال‌های بیشتر بوده، از مثال‌های تألیفی نیز استفاده شده است. بنابراین با مطالعه این کتاب، هم مجموعه نکاتی که "فنون ترجمه" نامیده می‌شوند را فرا می‌گیرید و هم اینکه عملاً آنالیزی دقیق از سؤالات درس زبان انگلیسی کنکورهای سراسری چهار سال گذشته در تمامی رشته‌ها (ریاضی، تجربی، انسانی، هنر، منحصراً زبان و خارج کشور) خواهید داشت. در فصل آخر کتاب نیز این امکان را خواهید داشت که آموخته‌های خود را تثبیت و ارزیابی کنید.

امیدوارم مطالعه این کتاب بتواند باعث پیشرفت شما در این درس شده و بدین ترتیب سهمی هرچند اندک، در موفقیت شما عزیزان داشته باشد.

از کلیه صاحب نظران (همکاران محترم و داوطلبان کنکور) خواهشمندم نظرات و پیشنهادات خود را درباره این کتاب از طریق ایمیل mohammadtaheri@ut.ac.ir با اینجانب در میان بگذارند. قطعاً نظرات و پیشنهادات سازنده شما عزیزان در چاپ‌های بعدی کتاب اعمال خواهند شد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای کاظم قلم‌چی، جناب آقای دکتر فیاض و سرکار خانم کمالی که مقدمات چاپ این کتاب را فراهم نمودند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم.

پیروز و سربلند باشید

محمد طاهری

راهنمای استفاده از کتاب

۱- اولین نکته‌ای که باید به آن دقت داشته باشید این است که از آن جاییکه بسیاری از مثال‌های استفاده شده در این کتاب، جملات کنکورهای سراسری سال‌های قبل است، طبیعتاً ممکن است با تعدادی لغت خارج از کتاب‌های درسی مواجه شوید. توصیه من این است که در وهله اول فقط به دنبال یادگیری ساختار یا نکته تدریس شده باشید. در همه مثال‌ها، زیر کلمه، کلمات و یا عباراتی که مربوط به نکته تدریس شده هستند، خط کشیده شده است. در وهله دوم و به عنوان هدف ثانویه، لغات جدید را می‌توانید با استفاده از ترجمه جملات بیابید و آن‌ها را در قسمت "یادداشت" که در انتهای هر فصل قرار داده شده، یادداشت نمایید.

۲- علائم اختصاری استفاده شده در این کتاب عبارتند از:

۱- *sb.* = *somebody* (یه کسی)

۲- *sth.* = *something* (یه چیزی)

۳- */= or* (یا)

۴- *etc.* = *et cetera* (و غیره)

۳- این کتاب به هیچ عنوان جایگزین کتاب درسی و یا کتاب‌های تستی که احتمالاً دارید نیست و قبل از مراجعه به این کتاب، باید مجموعه لغات کتاب‌های درسی خود را به خوبی خوانده باشید. این کتاب، یک منبع تکمیلی است برای کسانی که می‌خواهند در درس زبان انگلیسی پیشرفت کرده و درصد بالاتری در کنکور کسب کنند.

فراموش نکنید که موفقیت متعلق به افراد سخت‌کوش و با اراده است. موفق باشید.

تقدیم به:

اسطوره‌های عشق، محبت، ایثار و فداکاری...

پدر و مادر عزیزم...

که تقدیر از آنان در توان واژه‌ها نیست.

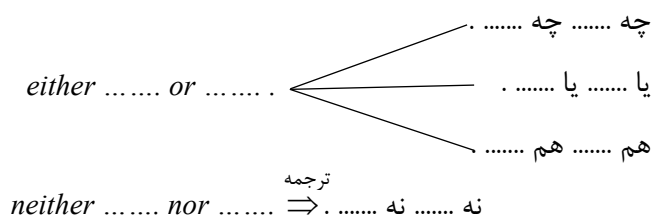
فصل:

اول

ساختارها

ساختار ۱

به نحوه ترجمه ساختارهای زیر دقت کنید:



در هر دو ساختار فوق و در قسمت جای خالی، ممکن است یک اسم یا یک عبارت قرار گیرد.

Our plans are very flexible, so we can meet you either on Wednesday or on Thursday.

(تست ۸۳ تجربی ۹۴)

برنامه‌های ما بسیار قابل تغییر هستند، بنابراین می‌توانیم شما را هم چهارشنبه و هم پنجشنبه ملاقات کنیم.

Neither Italy nor France got to semi-final last year.

(تالیفی)

پارسال، نه ایتالیا و نه فرانسه هیچ کدام به دور نیمه نهایی راه نیافتند.

Eventually, photographs could be made in either black-and-white or full color.

(بخشی از درک مطلب اول انسانی ۹۴)

به تدریج، امکان تولید عکس‌ها، هم به صورت سیاه و سفید و هم به صورت تمام رنگی فراهم شد.

Once, the traditional British holiday was a week at the seaside – either in the UK or somewhere with more reliable weather like the Mediterranean.

(بخشی از درک مطلب اول تجربی ۹۵)

یک زمانی (روزگاری)، تعطیلات سنتی بریتانیایی‌ها، (گذراندن) یک هفته در ساحل دریا بود – چه در خود بریتانیا و چه هر جایی که آب و هوای قابل اعتمادتری مثل آب و هوای مدیترانه‌ای داشت.

Money is neither good nor bad, but all depends on how we use it.

(تألیفی)

پول، نه خوبه نه بد، بلکه همه چیز بستگی به نحوه استفاده ما از آن دارد.

ساختار ۲

پسوند *ful* می‌تواند به انتهای برخی از اسم‌ها و افعال افزوده شده و از آن‌ها یک صفت بسازد. بنابراین پسوند *ful* را به عنوان یک پسوند صفت‌ساز می‌شناسیم. به نحوه ترجمه صفاتی که با استفاده از این پسوند به وجود آمده‌اند دقت کنید:

دارای همان اسم یا فعل \Rightarrow *ful* + اسم یا فعل ^{ترجمه}

زیبا (کسی یا چیزی که دارای زیبایی است) = *beautiful* = زیبایی = *beauty*: مثال

We are thankful to Ali because he made an endeavor to help us.

(بخشی از تست ۸۳ تجربی ۹۵)

ما از علی ممنونیم / متشکریم چون او تلاش کرد که به ما کمک کند.

کلمه *thank* به معنای «تشکر کردن» و *thankful*، صفت آن به معنای «متشکر یا ممنون» (کسی که دارای تشکر از فرد دیگری است) می‌باشد.

He was hopeful that his invention would become successful one day.

(بخشی از تست ۹۶ ریاضی ۹۴)

او امیدوار بود که اختراعش یک روزی موفق خواهد شد.

کلمه *hope* به معنای «امید» و *hopeful*، صفت آن به معنای «امیدوار» (کسی که دارای امید است) می‌باشد.

Almost all people agree that life is purposeful.

(بخشی از درک مطلب اول خارج از کشور ۹۷)

تقریباً همه انسان‌ها قبول دارند که زندگی هدفمند است.

purpose به معنای «هدف، قصد، نیت» و *purposeful*، صفت آن و به معنای «هدفمند» (چیزی یا کسی که دارای هدف است) می‌باشد.

Picasso was extremely skillful at drawing and painting.

(بخشی از کلوز تست انسانی ۹۴)

پیکاسو در ترسیم کردن و رنگ کردن (یا همان نقاشی) بسیار ماهر بود.

پسوند *less* کاملاً متضاد پسوند *ful* است. به نحوه ترجمه صفاتی که با *less* ساخته شده‌اند دقت کنید:

فاقد یا بدون همان اسم یا فعل \Rightarrow *less* + اسم یا فعل ^{ترجمه}

نامید (کسی که بدون امید یا فاقد امید است) = *hopeless* = امید = *hope*

بی‌خانمان (کسی که فاقد خانه است) = *homeless* = خانه = *home*

Tired of the careless employee's endless mistakes, the boss sent him to another department.

(تست ۷۹ ریاضی ۹۵)

رئیس که از اشتباهات بی‌پایان آن کارمند بی‌دقت خسته شده بود، او را به دپارتمان (بخش) دیگری فرستاد. *end* به معنای «انتها، پایان» و *endless*، صفت آن و به معنی «بی‌پایان» می‌باشد. کلمه *care* نیز به معنی «دقت» و *careless*، صفت آن و به معنی «بی‌دقت» می‌باشد.

برخی دیگر از مهم‌ترین صفاتی که با این پسوندها ساخته می‌شوند عبارتند از:

<i>regardful</i>	با ملاحظه، رعایت کننده، در نظر گیرنده
<i>tearful</i>	گریان، اشک بار
<i>frightful</i>	ترسناک، وحشتناک
<i>colorless</i>	بی رنگ، بدون رنگ
<i>forgetful</i>	فراموشکار
<i>painful</i>	دردناک

ساختار ۳

ترجمه
فعل همان صفت \rightarrow صفت + *make*

دقت داشته باشید که در ساختار فوق ممکن است یک مفعول یا ضمیر مفعولی بین *make* و صفت قرار گیرد.

His mom said this makes him calm.

(بخشی از درک مطلب اول انسانی ۹۶)

مادرش گفت که این (کار) او را آرام می‌کند.

The addition of more wood to the fire made it brighter and warmer.

(بخشی از تست ۸۰ ریاضی ۹۴)

اضافه کردن چوب بیشتر به آتش، آن را روشن‌تر و گرم‌تر کرد.

در جمله فوق، *brighter* (روشن‌تر، نورانی‌تر) و *warmer* (گرم‌تر) دو صفت هستند که توسط کلمه *make* که قبل از آن‌ها به کار رفته، به فعل تبدیل شده‌اند. بنابراین:

گرم کردن: *make warm*

روشن کردن: *make bright*

کلمه *make* از اسم‌ها نیز می‌تواند فعل بسازد:

ترجمه
make + اسم \Rightarrow فعل همان اسم

We are thankful to Ali because he made an endeavor to help us.

(بخشی از تست ۸۳ تجربی ۹۵)

ما از علی ممنونیم چون او تلاش کرد به ما کمک کند.

It is exciting to do something that really makes a difference in your community.

(تست ۸۵ انسانی ۹۵)

انجام دادن کاری که واقعاً متفاوت باشد یا در جامعه‌ات واقعاً تفاوت ایجاد کند، هیجان انگیز است.

در ۲ جمله فوق، کلمات *endeavor* (تلاش، کوشش) و *difference* (تفاوت)، هر دو اسم‌هایی هستند که همراه با کلمه *make* قبل از خود، تبدیل به فعل شده‌اند. برخی اصطلاحات در همین زمینه:

<i>make a mistake</i>	(اشتباه کردن)		<i>make friends</i>	(دوست پیدا کردن)
<i>make a decision</i>	(تصمیم گرفتن)		<i>make a choice</i>	(انتخاب کردن)
<i>make a discovery</i>	(کشف کردن)		<i>make money</i>	(پول در آوردن)
<i>make effort</i>	(تلاش کردن)		<i>make a transfer</i>	(انتقال دادن، منتقل کردن)
<i>make progress</i>	(پیشرفت کردن)		<i>make a noise</i>	(سر و صدا کردن)
<i>make arrangements</i>	(برنامه ریزی کردن)		<i>make a change</i>	(تغییر ایجاد کردن، تغییر دادن)

The children at the back of the bus made such a noise that the driver got angry and asked them to stop it.

(تست ۷۹ انسانی ۹۵)

بچه‌ها در انتهای اتوبوس چنان سروصدا می‌کردند که راننده عصبانی شد و از آن‌ها خواست که از انجام این کار خودداری کنند.

If you want to live in a foreign country, you have to make friends. And to do that, you have to speak the language.

(بخشی از کلوز تست تجربی ۹۷ - با تغییر جزئی)

اگر می‌خواهید در یک کشور خارجی زندگی کنید، باید دوست پیدا کنید و برای انجام این کار شما مجبورید به زبان (مردم آن کشور) صحبت کنید.

As the man is lazy and has no sense of responsibility, he does not work to make money for his family.

(تست ۸۴ ریاضی ۹۶)

چون آن مرد تنبل است و هیچ حس مسئولیت‌پذیری ندارد، کار نمی‌کند تا برای خانواده‌اش پول در بیاورد.

توجه داشته باشید که کلمه *make* علاوه بر ۲ ساختار فوق و همچنین معنی «درست کردن، ساختن» گاهی اوقات به معنای «مجبور کردن، وادار کردن» نیز به کار می‌رود.

Don't try to make people with whom you are talking only listen. Give them time to talk as well.

(بخشی از تست ۷۶ تجربی ۹۵)

سعی نکن آدم‌هایی که با آنها صحبت می‌کنی را مجبور کنی که فقط گوش بدهند. به آنها زمان بده تا حرف هم بزنند.

I was made to change my appearance because I didn't want them to know who I am.

(تألیفی)

مجبور شدم ظاهرم را تغییر بدهم. چون نمی‌خواستم آنها بدانند من چه کسی هستم.

گاهی اوقات نیز ممکن است کلمه *make* به معنی "باعث شدن" به کار رود.

Eating fast food makes you gain weight.

(تألیفی)

خوردن غذاهای فست فود باعث می‌شود شما چاق شوید.

ساختار ۴

پسوندهای *able* و *ible* به انتهای برخی از افعال افزوده می‌شوند و از آنها یک صفت می‌سازند.

به نحوه ترجمه صفاتی که با این پسوندها ساخته می‌شوند، توجه کنید:

قابل + فعل \Rightarrow *able / ible* + فعل ^{ترجمه}

قابل شمارش = *countable* \Rightarrow شمردن = *count*

هنگامی که از یک فعل با استفاده از پسوندهای *able* و *ible* یک صفت ساخته می‌شود، ممکن است تغییراتی جزئی در املاي فعل به وجود بیاید. مثال:

قابل درک، قابل فهم = *comprehensible* \Rightarrow درک کردن، فهمیدن = *comprehend*

A reliable way of moving toward purpose.

(بخشی از درک مطلب اول خارج از کشور ۹۷)

روشی قابل اعتماد یا قابل اتکا برای حرکت به سمت هدف.

فعل *rely* به معنی «اعتماد کردن، اتکا کردن» و *reliable* صفت آن و به معنی «قابل اعتماد یا قابل اتکا» می‌باشد.

It may seem unbelievable to some of you, but most Italian students don't graduate until their late twenties.

(بخشی از درک مطلب دوم زبان ۹۶ با تغییر جزئی)

ممکن است برای برخی از شما غیرقابل باور / باور نکردنی باشد اما اغلب دانشجویان ایتالیایی تا قبل از اواخر دهه بیست سالگی شان فارغ‌التحصیل نمی‌شوند.

کلمه *unbelievable* در نگاه اول ممکن است دشوار به نظر بیاید اما داوطلب با در نظر گرفتن ۲ نکته می‌تواند به راحتی معنای آن را به دست آورد:

۱- می‌دانیم که فعل *believe* به معنای «باور داشتن یا معتقد بودن» است. بنابراین *believable* می‌شود «قابل باور یا باور کردنی».

۲- پیشوند *un* یک پیشوند متضاد ساز است که به صفت‌ها و افعال افزوده شده و از آنها یک صفت یا یک فعل با معنای متضاد می‌سازد. بنابراین *unbelievable* می‌شود «غیرقابل باور یا باور نکردنی».

به این کار *work attack* (حمله به لغت) می‌گویند. در واقع *word attack* عبارت است از تلاش برای پیدا کردن معنی یک کلمه ناآشنا با استفاده از کلمات هم‌خانواده آن و پیشوندها و پسوندهایش. برای توضیحات و مثال‌های بیشتر در این رابطه به صفحات ۵۵ و ۵۶ کتاب درسی دوازدهم رجوع کنید.

Predictable atmospheric conditions.

(بخشی از تست ۹۷ ریاضی ۹۴)

شرایط جوی قابل پیش‌بینی.

ساختار ۵

درد همان قسمت بدن \Rightarrow *ache* + هر قسمت بدن

ترجمه

در واقع پسوند *ache* یک پسوند اسم ساز است که یک اسم را به اسم دیگری تبدیل می‌کند.

<i>stomachache</i>	(دل درد، معده درد)		<i>toothache</i>	(دندان درد)
<i>earache</i>	(گوش درد)		<i>headache</i>	(سر درد)
<i>backache</i>	(کمر درد)		<i>heartache</i>	(درد قلب، غم و اندوه)

ساختار ۶

به نحوه ترجمه ساختار زیر دقت کنید:

عدد + بار یا دفعه \Rightarrow *times* + عدد

ترجمه

پنج دفعه، پنج بار = *five times*

پنجمین دفعه، پنجمین بار = *the fifth time*

More than two hundred million times a day, a camera shutter clicks somewhere in the world to take a photograph.

(بخشی از درک مطلب اول انسانی ۹۴)

بیش از دویست میلیون بار در روز، شاتر (دیافراگم) دوربین در یک جایی از دنیا برای گرفتن یک عکس به صدا در می‌آید.

In people who were already diabetic, those who ate fruit three times a week had a ۱۷ percent lower risk of mortality.

(بخشی از درک مطلب اول زبان ۹۶ با تغییر جزئی)

در بین افرادی که دیابتی بودند، آن‌هایی که سه بار در هفته میوه مصرف می‌کردند، ۱۷٪ احتمال مرگ و میر کمتری داشتند.

I finally passed my driving test the fourth time I took it.

(تست ۸۷ تجربی ۹۵)

بالاخره در چهارمین دفعه‌ای که امتحان رانندگی دادم، قبول شدم.

در این ساختار، اعداد یک و دو استثنا هستند.

<i>one</i>	یک		<i>once</i>	یک دفعه، یکبار
<i>two</i>	دو		<i>twice</i>	۲ بار، ۲ دفعه

در واقع از ساختار (*times* + عدد) برای اعداد ۳ به بالا می‌توان استفاده کرد.

ساختار ۷

این ساختار مشابه ساختار ۶ می‌باشد اما معنای آن متفاوت است.

عدد + برابر \Rightarrow *times* + عدد اصلی ^{ترجمه}

Five times	۵ برابر	Ten times	۱۰ برابر
------------	---------	-----------	----------

This new type of the Digges telescopes magnifies images ۱۱ times.

(تست ۸۰ ریاضی ۹۵)

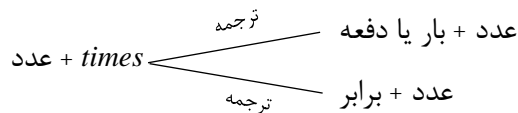
این مدل جدید از تلسکوپ‌های دیجس، تصاویر را ۱۱ برابر بزرگ‌نمایی می‌کند.

Africa's population is growing very fast. By ۲۱۰۰, it will be home to ۴,۴ billion people-four times its present population.

(بخشی از کلوز تست ریاضی ۹۶)

جمعیت آفریقا به سرعت در حال افزایش است. تا سال ۲۱۰۰، آفریقا محل زندگی ۴/۴ میلیارد نفر خواهد بود، چهار برابر جمعیت کنونی‌اش.

جمع‌بندی ساختارهای ۶ و ۷:



I go to the gym ۵ times a week.

من پنج بار در هفته به باشگاه می‌روم.

This box is ۵ times bigger than that box.

این جعبه پنج برابر بزرگتر از آن جعبه است.

ساختار ۸

هم هم \Rightarrow *both* *and*

Both men and women are living longer. The reasons for this are both biological and cultural.

(بخشی از درک مطلب دوم زبان ۹۵)

(امروزه) هم مردان و هم زنان طولانی‌تر عمر می‌کنند. دلایل این امر، هم بیولوژیک (زیستی) و هم فرهنگی هستند.

اگر بعد از *of both* بیاید به معنای «هر دو یا هر جفت» خواهد بود.

Cristiano Ronaldo and Lionel Messi are footballers. Both of them are very famous.

(تألیفی)

کریستیانو رونالدو و لیونل مسی فوتبالیست هستند. هر دوی آن‌ها بسیار مشهورند.

ساختار ۹

به نحوه ترجمه ساختار زیر توجه کنید:

پس از انجام همان فعل (که به صورت *pp* آمده) \Rightarrow ^{ترجمه} *past participle* یا همان قسمت سوم فعل) *Having + pp*

Having returned home, he began carrying out his own experiments.

(بخشی از درک مطلب دوم تجربی ۹۴)

پس از بازگشت به خانه (وطن)، او شروع کرد به انجام دادن آزمایشاتش.

فعل *return* به معنای "بازگشتن، برگشتن" است.

Having existed for ۱۶۵ million years, why did dinosaurs die out?

(بخشی از کلوز تست تجربی ۹۵)

چرا دایناسورها پس از ۱۶۵ میلیون سال وجود داشتن، منقرض شدند؟

فعل *exist* به معنای "وجود داشتن، حضور داشتن" است.

بنابراین، همان‌طور که می‌بینید در ساختار *having + pp* می‌توان برای سهولت کار ترجمه، معنای *having* را «بعد از، پس از» و عملاً هم معنی *after* در نظر گرفت.

ساختار ۱۰

فعل *grow* به معنی «پرورش دادن، رشد کردن» است اما به نحوه ترجمه آن در ساختار زیر دقت کنید:

شدن همان صفت \Rightarrow ^{ترجمه} *grow + صفت*

Cats save energy by sleeping more than most animals, especially as they grow older.

(بخشی از درک مطلب اول هنر ۹۶)

گره‌ها انرژی را با بیشتر خوابیدن نسبت به اغلب حیوانات ذخیره می‌کنند، به خصوص زمانی که پیرتر می‌شوند.

Kids grow taller naturally year by year.

(تألیفی)

کودکان به طور طبیعی هر ساله قد بلندتر می‌شوند.

بنابراین، *grow old* یعنی پیر شدن و *grow tall* یعنی قد بلند شدن.

ساختار ۱۱

اکثر داوطلبان احتمالاً با معنی کلمه *but* (اما) آشنا هستند اما شاید ندانند که اگر کلمه *but* طبق ساختار زیر به کار رود، قطعاً به معنای «بلکه» خواهد بود، نه «اما».

نه تنها بلکه \Rightarrow ^{ترجمه} *Not only but*